

بررسی رابطه نوگرایی و دینداری (مطالعه در بین دختران جوان منتخب از مناطق او ۶ و ۱۹ شهر تهران)

مرضیه سادات موسوی

فاطمه سادات علمدار^۲

چکیده

در جامعه ایران مسأله دین و کیفیت دینداری افراد با دیگر حوزه های اجتماعی شدیداً ممزوج بوده، مسائل پیرامون ارتباط متقابل نگرش های مدرن و نگرش های اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی افراد حائز اهمیت بسیار است. در این میان، اظهار نظر در خصوص بایدها و نبایدهای زندگی زنان، به خاطر نقش مهم ایشان در نهاد خانواده و تربیت نسل آینده، محل علاقه و بحث و چالش هر دو رویکرد می باشد. بر این اساس بررسی علمی رابطه گرایش های نوگرایانه زنان با دینداری ایشان و نتایج حاصل از این بررسی تاثیر ارزنده ای بر شناخت وضعیت موجود جامعه داشته، عرصه های نوین پژوهشی در خصوص مسائل خانواده ها و نسل آتی می آفریند. در این راستا مقاله حاضر تاثیر مدرنیته بر دینداری دختران جوان ۲۰ تا ۲۹ ساله سه منطقه یک و شش و نوزده شهر تهران را مورد بررسی قرار می دهد. انتخاب شهر تهران به این دلیل بوده است که مختصات فرهنگی و اجتماعی این کلان شهر و ویژگی های جمعیتی و ارتباطی خاص آن سبب می شود که ساکنان آن بیشتر از افراد دیگر در معرض گرایش های نوگرایانه قرار بگیرند. اساس نظری تحقیق بر نظریات جامعه شناسی دین وبر و نظریه امنیت حیاتی اینگلهارت استوار است. براساس مدل سنجش دینداری گلاک و استارک، پنج بعد برای سنجش دینداری در نظر گرفته شد که عبارتند از ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و آگاهی. هم چنین بر مبنای شاخص های سنجش نوگرایی فردی در مدل اینکلس و اسمیت، هفت بعد جهت گیری علمی، جهت گیری عام گرایانه، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری پیشرفت، جهت گیری مدنی و جهت گیری

- استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه الزهرا mar_mousavi2002@yahoo.com

- کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه الزهرا f.s.alamdar@gmail.com

دموکراتیک برای سنجش نوگرایی در نظر گرفته شد. جهت انجام تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به کار رفت و با توجه به حجم جمعیت این سه منطقه (با تفکیک جنسیتی) و برآورد دواس، در شکاف ۸۰-۲۰ درصد و با سطح معنی داری ۵٪ تعداد نمونه در هر منطقه مشخص گشت. براین اساس حجم نمونه در منطقه یک ۵۵ نفر در منطقه شش ۴۹ نفر و در منطقه نوزده ۴۱ نفر مشخص شد و جمعا حجم جامعه نمونه معادل ۱۳۸ نفر تعیین گردید و این افراد با شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای مشخص شده، به پرسشنامه پاسخ دادند. نتایج آزمون های همبستگی در نمونه کل نشان داد که ابعاد مختلف نوگرایی روابط مختلفی با دینداری و ابعاد آن دارند. بر اساس یافته ها با افزایش جهت گیری علمی، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه و جهت گیری دموکراتیک دختران جوان اعتقادات دینی ایشان کاهش می یابد و با افزایش عام گرایی دختران جوان میزان دینداری ایشان افزایش می یابد. هم چنین رابطه معناداری میان گرایی به پیشرفت و گرایشات مدنی دختران جوان و دینداری ایشان وجود ندارد. در کل نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش نوگرایی میزان دینداری افراد در ابعاد پیامدی و مناسکی کاهش می یابد.

واژه‌های کلیدی:

نوگرایی، دینداری، جهت گیری علمی، جهت گیری عام گرایانه، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری پیشرفت، جهت گیری مدنی، جهت گیری دموکراتیک.

(۱) مقدمه

در نیمه دوم قرن هجدهم، گروهی از اندیشمندان با توجه به تغییرات اقتصادی جدید اعتراض خود را نسبت به ظلم جوامع فئودال مبنی بر امتیازات موروثی پادشاهان، کلیسا و اشراف آغاز کردند. اینان که بیان کننده ناراضیتهای طبقه متوسط جدید و رو به رشد بودند، حقوق انسان را در برابر حقوق مقدس پادشاهان قرار دادند. در این زمان نهضت فکری بی سابقه ای در غرب شکل گرفت و اصولی را در سطح جوامع غرب منتشر ساخت که این اصول بعدها زمینه ساز مکاتب مختلف فکری و سیاسی، جنبش های متعدد اجتماعی و انقلاب‌هایی سرنوشت ساز در تاریخ اروپا و آمریکا شد. شکل گیری دو جریان فکری مهم مدرنیته و لیبرالیسم، ویژگی و شاخصه فکری این دوره است. این دو جریان از قرن هجدهم به بعد مادر تحولات، انقلاب ها و شورش های متعددی شد که تمام عرصه های زندگی بشری از جمله مسائل زنان را تحت تاثیر قرار داد (رودگر، ۱۳۸۸: ۳۷).

موضوع این مقاله بررسی تأثیر نگرش مدرن یا نوگرایی بر دینداری دختران جوان شهر تهران است. در همین راستا و در جهت شفاف سازی مسأله، ابتدا در خصوص مدرنیته و رابطه آن با دینداری به طور عام و دینداری زنان به طور خاص، توضیح مختصری ارائه خواهد شد و سپس با بهره گیری از نظریات جامعه شناسی دین وبر و نظریه امنیت حیاتی اینگلهارت و هم چنین مدل سنجش نوگرایی اینکلس و اسمیت و مدل سنجش دینداری گلاک و استارک، مسأله مقاله بررسی خواهد گشت.

۲) طرح مسأله

تعریف مفهوم مدرنیته با پیچیدگی های دشواری همراه است. تاریخ نگاران، فلاسفه، جامعه شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و... هرکدام تعاریف متفاوت و گاه بسیار متفاوتی را از این مفهوم ارائه نموده اند؛ آنچه که در میان متفکران عمومیت دارد این تلقی است که برخی از مهمترین ویژگی های ذهنیت مدرن، با باورهای دینی، آداب و رسوم و چالش های فلسفی خاص آن به انقلاب علمی قرن هفدهم بازمی گردد (استف، ۱۹۵۳). به طور کلی پروژه روشن گری شامل دو بخش سخت و نرم می شود. ویژگی سخت به شیوه های عملی درست برنامه ریزی شده و مورد آزمون قرار گرفته مربوط می شود که منظور از آن، ویژگی های متفاوت عینی ابزاری و تکنولوژیکی است که در عصر روشن گری نمود یافت. بخش نرم با این پرسش باز و بحث برانگیز روبه روست که نتیجه ارزشمند چیست؟ ویژگی نرم بدون تردید با آرمان سر و کار دارد. (لیدمان، ۱۳۸۷: ۳۷-۲۶). برخی دیگر این دوگانگی سخت و نرم را به مدرنیسم و مدرنیته تعبیر نموده اند. در این معنا، مدرنیسم بر پایه عناصر قابل رؤیت و بیرونی تمدن غرب چون ارتش، دولت سیاسی، اقتصاد و... استوار است. عناصر کاربردی و عناصری که چون ابزار استفاده می شوند مدرنیسم هستند حال آنکه مدرنیته مجموعه ای از یک رشته مفاهیم است که از حدود ابزار فراتر رفته و پایه و اساس قدرت نظامی، دولت سیاسی و تولید اقتصادی را بنا می ریزد. در این معنا، مدرنیته بنا و شالوده اصلی تمدن غرب است (هودشیان، ۱۳۸۱: ۷۲-۷۱).

اینکلس مدرنیته را به عنوان «پروسه تغییر در احساسات و ارزش‌ها» می‌داند (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۴: ۸۴). در این مفهوم، نوگرایی بهترین شاخص نوسازی است و نشان‌گر تغییر رفتار، یعنی هدف نهایی برنامه‌های نوسازی می‌باشد. نوگرایی دریافت ذهنیت نو از جهان هستی و تحول تاریخی است (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۵). در این مقاله نیز مفهوم نوگرایی به عنوان نگرش نوین به زندگی و قرار گرفتن در چارچوب فکری و رفتاری انسان نو مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جانب دیگر، بدیهی است که قرار گرفتن انسان در این چارچوب فکری و رفتاری نو تبعات بسیاری را به دنبال داشته است و دارد. به عنوان مثال، تا پیش از مدرنیته، نظم موجود در خانواده و اجتماع امری طبیعی و صحیح به شمار می‌آمد ولیکن نگرش مدرن بر آن بود که هر گونه تفاوت و تبعیض، باید به محک عقل خود بنیاد بشری مورد سنجش قرار گیرد. طبیعی است که در این حال و هوا به ذهن‌ها خطور می‌کند که به عنوان مثال، چرا در نهاد خانواده، مردان بر زنان مسلط‌اند و چرا زن ملزم به اطاعت از مرد است؟ از سوی دیگر با توجه به احترام فوق‌العاده مدرنیته به انسان به دلیل برخورداری او از گوهر عقل، طبیعی است زنان که خود را انسان و صاحب خرد می‌دانند، خواهان احترامی در خور انسان مدرن شوند و اگر آموزش برای پرورش عقل انسانی لازم است پس زنان نیز نباید از آن محروم بمانند. تأکید مدرنیته بر این که هیچ چیزی را نباید قبل از اثبات عقلانی پذیرفت سبب شد تا زنان در بسیاری از مسلمات اجتماعی از جمله الگوی زن خانه‌دار، وظایف زن، توانایی‌های زن و... تردید کنند. بدین ترتیب آموزه‌های مدرنیته، تغییر در وضعیت زنان را اجتناب‌ناپذیر ساخت و هم زنان و هم جامعه را برای تحولاتی اساسی در مسائل زنان آماده کرد (رودگر، ۱۳۸۸: ۳۹).

در سده اخیر و به ویژه در دهه‌های نزدیک‌تر به دوران ما (و مشخصاً پس از جنگ جهانی دوم) زنان به طور گسترده‌ای وارد مرحله تازه‌ای از زندگی اجتماعی و مدنی خویش گشته‌اند. این واقعیت از سویی برخاسته از گرایش و نیاز غیرقابل انکار آنان و جوامع بشری به پذیرش و تثبیت نقشی موثرتر و جایگاهی شایسته‌تر برای ایشان بوده است و هم به نوبه خود مسایل جدید

دیگری درباره آنان را در پی داشته که آثار دردناک آن بر کرده جامعه بشری مشهود است. در این راستا، بررسی تأثیرات جوانب مختلف جامعه مدرن بر زنان به طور خاص و خانواده به طور عام در دستور کار بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی (گاردنر، ۱۳۸۶؛ برنارد، ۱۳۸۴؛ سگالن، ۱۳۸۵ و ...) قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین مسائل که با علاقه اولیه جامعه‌شناسان نیز در ارتباط است بررسی تأثیرات مدرنیته بر دینداری زنان می‌باشد. چرا که یکی از ویژگی‌های اساسی زنان در دنیای سنت که ایشان را در مقام مقایسه نظریه پردازان روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... با مردان قرار می‌داد، دینداری بود. زنان بوده است. برخی از متفکران نظیر مارکس و انگلس، یکی از دلایل این دینداری بیشتر را این می‌دانند که دین با دادن وعده پاداش معنوی، رنج و محنت طبقه رنج دیده و محروم را ترمیم می‌کند (موریس، ۱۳۸۳: ۶۷) و دورکیم نیز با همین منطق آمار پایین تر خودکشی زنان نسبت به مردان را توجیه می‌کند. از دیدگاه اینگلهارت، احساس آسیب پذیری در برابر خطرات طبیعی، اجتماعی و شخصی عامل مهم برانگیختن دینداری بوده است. براساس پژوهش وی، فرایند غیردینی شدن - فرو کاهیدن منظم اعمال، ارزش‌ها و اعتقادات دینی - به صورت آشکار در میان مرفه‌ترین اقشار اجتماعی کشورهای پسا صنعتی ثروتمند قابل مشاهده است. از نظر او، زنان به دلیل موقعیت اجتماعی نامطمئن و آسیب پذیر خود، به مراتب از مردان دیندارتر می‌باشند و با بالا رفتن سطح "امنیت حیاتی" در جوامع توسعه یافته تر، از دینداری ایشان کاسته می‌شود. علاوه بر این، مدرنیته پیام آور فردگرایی و تکیه بر عقل خودبنیاد بشری است که در عرصه دینداری منجر به شکل‌گیری گرایش‌های فردی و ذهنی در رابطه با احساس دینی می‌شود، در این خصوص، می‌توان دوران مدرن را دوران حکومت و نفوذ تفکر "خودت انتخاب کن" در موضوع دین دانست که منجر به تضعیف نهادهای سنتی دینی شده و تکثرگرایی دینی را به دنبال خواهد داشت (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

در ایران، بروز و ظهور اساسی چالش رویکرد مدرن و رویکرد اسلامی - ایرانی به زنان، به دوران رضاخان و پروژه مدرنیزاسیون وی ارجاع داده می‌شود چراکه

برخی از مهم ترین وقایع اثرگذار بر وضعیت زنان در ایران از جمله کشف حجاب، تغییر لباس، تحصیل عمومی بانوان و... در این دوره روی داد (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶). پس از سقوط رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷، خرده گفتمان های حاضر در عرصه اجتماعی ایران به دو گروه اصلی خرده گفتمان های متأثر از تجدد گرایی و خرده گفتمان های متأثر از سنت گرایی تقسیم شدند که در این میان، احزاب و گروه های بنیادگرای اسلامی به عنوان نماینده گروه های سنت گرا خواستار ترکیب مذهب و سیاست و تأسیس حکومت دینی یا روحانی و اجرای احکام اسلام از طریق نظام سیاسی شدند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۳۶ و ۱۳۷). با تأسیس حکومت اسلامی، مسأله دین و کیفیت دینداری افراد با دیگر حوزه های اجتماعی شدیداً امتزاج یافت و اهمیت مسائل پیرامون ارتباط متقابل نگرش های مدرن و نگرش های اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی را دو چندان نمود. در این میان، اظهار نظر در خصوص بایدها و نبایدهای زندگی زنان، به خاطر نقش مهم ایشان در نهاد خانواده و تربیت نسل آینده، محل علاقه و بحث و چالش هر دو رویکرد می باشد. بر این اساس بررسی علمی رابطه گرایشات نوگرایانه زنان با دینداری ایشان و نتایج حاصل از این بررسی تاثیر ارزنده ای بر شناخت وضعیت موجود جامعه داشته و نمایانگر عرصه های نوین پژوهشی در خصوص مسائل خانواده ها و نسل آتی و... می باشد. در این راستا مقاله حاضر تاثیر مدرنیته بر دینداری دختران جوان ۲۰ تا ۲۹ ساله سه منطقه یک و شش و نوزده شهر تهران را مورد بررسی قرار می دهد. انتخاب شهر تهران به این دلیل بوده است که مختصات فرهنگی و اجتماعی این کلان شهر و ویژگی های جمعیتی و ارتباطی خاص آن سبب می شود که ساکنان آن بیشتر از افراد دیگر در معرض گرایشات نوگرایانه قرار بگیرند. در این مقاله جهت سنجش مدرنیته از مقیاس اینکلس و جهت سنجش دینداری از مقیاس گلاک و استارک استفاده شده است.

۳) چارچوب نظری

بیان این امر که جامعه شناسی در نتیجه چالش ذهنی پدران خود با مسأله دین در جامعه زمان ایشان پدید آمده است، تکرار مکررات به نظرمی رسد. به

بیان دروش: «جامعه شناسی آغازین بیشتر به ارائه یک تفسیر دینی از جامعه می پردازد تا یک تفسیر جامعه شناسانه از دین» (شریعتی، ۱۳۸۶: ۸۴). بنابراین، بدیهی است که- اگر نگوئیم همه- اغلب کارهای نظری و تجربی که در حوزه جامعه شناسی دین صورت گرفته اند، ارتباط این پدیده را با شرایط عینی و ذهنی جامعه مدرن در نظر داشته اند. از طرف دیگر مطابق با انتقاد صحیح نظریه پردازان فمینیست نظریات جامعه شناسانه بنیانگذاران جامعه شناسی نظریاتی مردانه بوده و ویژگی های خاص زنان در بررسی های ایشان مغفول مانده است (ریترز، ۱۳۸۰: ۱۰۲) در نتیجه این امر، تعداد نظریاتی که به طور خاص درباره تأثیرات مدرنیته بر دینداری زنان باشد، بسیار اندک و غیر مشهور است؛ لذا در این تحقیق، ابتدا از نظریه جامعه شناسی دین وبر برای بررسی رابطه مدرنیته و دینداری استفاده شده، سپس رابطه خاص مدرنیته و دینداری زنان با بهره گیری از نظریه امنیت حیاتی اینگلههارت مورد بررسی قرار گرفته است.

طبق هدف مقاله حاضر، توجه به تأثیرات دینداری بر گرایش های فکری و رفتاری افراد حائز اهمیت است. از نظر ماکس وبر آموزه های دینی این قدرت را دارند که زندگی بشر را به سمت نو شدن بر حسب شرایط دنیای مدرن هدایت کنند و حتی خود موجب این حرکت شوند، حتی اگر بشر آگاهانه چنین قصدی نداشته باشد. وبر معتقد بود که برای استفاده از دین در دنیای جدید لازم نیست که محتوای آن را تغییر دهیم بلکه با رشد فکری بشر در عرصه های دیگر زندگی لاجرم دین نیز بهتر درک خواهد شد و کاربردهای دستورهای دین برای زندگی نوین نیز آشکار خواهد گشت بدون آن که نیازی باشد که بشر این دستورها را از جانب خود تغییر دهد. وبر این توانایی بالقوه را در دین می بیند که بتواند بر رفتار مردم و شیوه تفکر ایشان اثرگذارد و معتقد است که «ایده ها، نیروهای مؤثر در تاریخ هستند» (وبر، ۱۳۸۵: ۱۲). بشر بر مبنای شیوه تفکر خود جامعه خود را می سازد و دین بزرگترین نهاد شکل دهنده شیوه تفکر است. البته وبر دین را تنها علت شرایط اجتماعی و رفتاری نمی داند و در کنار دین، عامل های دیگر اجتماعی را نیز در تبیین خود دخیل می کند. این نظر وبر که دنیای اجتماعی را باید از زاویه افکار مردم، به خصوص هنجارها و ارزش ها، مشاهده

نمود، جهت پیشبرد تحقیق حاضر حائز اهمیت بسیار است. بر این مبنا تغییرات در مناسبات زندگی فردی و اجتماعی افراد همگام با تغییرات در هنجارها و ارزش های ذهنی ایشان رخ می دهد. بررسی رابطه اشاعه اندیشه ها و سبک زندگی مدرن بر دینداری افراد در آثار نظریه پردازان معاصر نیز نمودار است. به طور کلی دانشمندان علوم اجتماعی در این خصوص که آیا فرایند غیر دینی شدن (که به تبع رواج گرایش ها و مناسبات نوگرایانه در زندگی جدید رخ داد) از نقش دین در زندگی روزمره کاسته است یا ادیان بزرگ جهان تجدید حیات نیرومندی را حس می کنند، از هم جدا می شوند. اینگلههارت معتقد است که روایت کلاسیک نظریه غیر دینی شدن نیازمند روزآمد سازی است ولیکن طرد صرف آن کاملاً اشتباه است چراکه این روایت از برخی جهات عمده صحیح می باشد. بر این مبنا نظریه غیر دینی شدن نوینی را مطرح می سازند که بر « امنیت حیاتی» مبتنی است. این نظریه بر دو اصل ساده متکی است که در توجیه غالب دگرگونی های اعمال دینی در سراسر دنیا توانمند بوده است. « سنگ بنای نظریه ما این فرضیه است که ملل ثروتمند و فقیر جهان از جهت سطح توسعه انسانی پایدار و نابرابری اجتماعی اقتصادی، و در نتیجه از جهت شرایط اصلی زندگی، امنیت انسانی و آسیب پذیری در برابر خطرات با هم تفاوت بسیار دارند ... اندیشه مهم امنیت در ساده ترین مفهوم خود، بیانگر رهایی از خطرات و ریسک ها است» (اینگلههارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۳). از نظر وی، امنیت حیاتی تنها با شرایط مالی مطلوب قابل سنجش نیست بلکه طیف وسیع خطرها به این معناست که مفهوم امنیت انسانی می تواند بسیار گسترده و گرانبار باشد. در این معنا، احساس آسیب پذیری در برابر خطرات طبیعی، اجتماعی و شخصی عامل مهم برانگیختن دینداری بوده است. براساس پژوهش اینگلههارت، فرایند غیر دینی شدن - فرو کاهیدن منظم اعمال، ارزش ها و اعتقادات دینی - به صورت آشکار در میان مرفه ترین اقشار اجتماعی کشورهای پسا صنعتی ثروتمند مشاهده می شود. از جانب دیگر زنان به دلیل موقعیت اجتماعی نامطمئن و آسیب پذیر خود به مراتب از مردان دیندارتر می باشند و با بالا رفتن سطح امنیت حیاتی ایشان در جوامع توسعه یافته تر از دینداری ایشان کاسته می شود. « سنگ بنای دوم

نظریه ما مبتنی بر این فرض است که جهان بینی های متفاوت که در ابتدا با سنت های دینی ارتباط داشتند، فرهنگ هر کشور را به صورت دیرپا شکل داده اند؛ امروزه این ارزش های متفاوت هستند که به شهروندان منتقل می شوند حتی اگر آنها هرگز پا به کلیسا، معبد یا مسجد نگذارند...حتی در جوامع بسیار غیر مذهبی، هنوز میراث تاریخی دینی به جهان بینی ها شکل می دهد و منطقه فرهنگی را تعیین می کند.» (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۷). بر این مبنا ارزش ها و هنجارهای دینی به صورت ناخودآگاه در لایه های عمیق ذهنی افراد هر جامعه ای حاضر است و گرایش ها و کنش های ایشان را هدایت می کند. به عبارت دیگر می توان از بازتولید هنجارهای دینی تحت تاثیر وضعیت نوین اجتماعی سخن گفت و نه غیر دینی شدن افراد. نظریه مؤلفان با شواهد بررسی های ارزش های جهانی (WVS) که از ۲۰۰۱-۱۹۹۸ در هشتاد جامعه در سراسر جهان و بر روی همه مذاهب عمده جهان صورت گرفته بود، مورد آزمون قرار گرفت. بر اساس نتایج، به علت سطوح بالارونده امنیت انسانی، ملل همه جوامع واقعاً صنعتی پیشرفته به سوی گرایش های غیر دینی تر رفته اند. بر اساس نتایج ثابت شده است که نوسازی (فرایند صنعتی شدن، شهرنشینی و سطوح بالارونده تحصیلات و ثروت) به شدت از تاثیر سازمان های دینی در جوامع مرفه می کاهد، میزان حضور در مراسم مذهبی را کم می کند و اهمیت ذهنی دین در زندگی مردم را کم رنگ می سازد. ولیکن از جانب دیگر، به علت روندهای جمعیت شناختی در جوامع فقیرتر، جهان به طور کلی در حال حاضر بیش از هر زمان دیگر مردمی با دیدگاه های مذهبی دارد که نسبت رشد یابنده جمعیت جهان را می سازند. به عبارت دیگر، از آنجا که تولید مثل توسط همه ادیان تشویق شده است افراد دیندار گرایش بیشتری به فرزندآوری دارند که در نتیجه آن جمعیت افراد دیندار در جهان بیشتر از افراد غیر دیندار می شود.

بر اساس این نظریات، میان گرایشات ذهنی و عینی نوگرایانه و سبک دینداری افراد رابطه وجود دارد و هم گام با تغییرات در اندیشه ها و گرایش های افراد در جامعه مدرن رویکرد ایشان نسبت به مذهب و اعتقادات و تاکیدات مذهبی نیز تغییر می کند و این تغییر در میان زنان که تقید بیشتری نسبت به

مردان به ارزش ها، اعتقادات و مناسک دینی داشته اند نمود بیشتری دارد. این مسأله در تحقیقات بسیاری مورد آزمون قرار گرفته است که به قسمتی از آنها اشاره می شود.

۴) پیشینه تحقیق

از نظر گیدنز، زنان در جوامع جدید فرصت آن را دارند که در دامنه گسترده ای از فعالیت ها بخت خود را بیازمایند. از آنجایی که زنان باید بیش از مردان هویت قبلی و تثبیت یافته خود را از دست بدهند، دوران تجدد را به طرز کامل تر ولی تناقض آمیز تر تجربه می کنند (گیدنز، ۱۳۷۸). به نقل از بیدگلی، (۱۳۸۲). شاهد این مدعا می تواند نتایج تحقیقاتی باشد که رابطه میان دینداری و انواع گسترده رفتارها و نگرش های مدرن را در میان زنان بررسی می کند. به عنوان مثال، نتایج پژوهشی که جهت بررسی عوامل جامعه شناختی موثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان انجام شد، نشان داد که در میان زنان دارای گرایش های مذهبی، تیپ های متفاوتی از زنان سنتی و مدرن وجود دارد که می توان آنها را در دو دسته کلی جای داد. دسته اول در بر دارنده زنانی است که دارای گرایش مذهبی هستند و با در نظر گرفتن سه بعد اعتقادی، مناسکی و پیامدی، دیندار به شمار می آیند اما تحت تاثیر تحصیلات و سایر منابع فرهنگی در بنیان های اعتقادی و رفتاری خود بازاندیشی و بازنگری می کنند و دقیقا طبق الگوهای سنتی دینداری فکر و عمل نمی کنند بلکه با تردید در تعاریف موجود برداشت های جدیدی مطرح می کنند. در نتیجه، تیپ ایده آل اغلب آنها به زن مدرن نزدیکتر است و به لحاظ روش زندگی و میزان مراقبت از بدن به زنان مدرن شباهت بیشتری دارند. دسته دوم در بردارنده زنانی است که گرایش مذهبی شدید دارند و در اعتقادات و نحوه تفکر و رفتار خود بازنگری و تأمل نمی کنند و غالبا بر اساس آنچه معمول و رایج است عمل می کنند. این دسته از زنان چه در هویت نقشی مسلط و چه در روش زندگی و میزان مراقبت از بدن، به زنان سنتی شباهت بیشتری دارند. بر اساس نتایج این تحقیق، زنان مذهبی دارای تحصیلات دانشگاهی، دچار عدم انسجام هویتی هستند که با ارتقا به سطوح تحصیلی بالاتر و باز اندیشی در هویت های مذهبی و سنتی تا حدود

زیادی بر تعارض هویتی خود فائق می آیند (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۳). بر اساس تحقیق دیگری که به بررسی رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی های فرهنگی آنان پرداخته، میزان بهره مندی افراد از دین با گرایش آنها به مهاجرت رابطه معکوس دارد و در میان ابعاد چهارگانه، دینداری در این پژوهش (تجربی، اعتقادی، مناسکی، پیامدی)، بعد پیامدی دینداری (امر به معروف و نهی از منکر، حجاب و ...) بهتر قادر به تبیین پدیده مهاجرت نخبگان دختر است. بنابراین در میان این ابعاد چهار گانه بعد پیامدی نسبت به گرایش به مهاجرت، خاصیت بازدارندگی بیشتری دارد (موحد و نیازی، ۱۳۸۷). نتایج پژوهشی دیگر که متغیرهای زمینه ای و نگرشی مرتبط با برابرگرایی جنسیتی در میان دانشجویان را بررسی نموده بود، نشان داد که مدارای فکری و گرایش سیاسی اصلاح طلب که با دیدگاه های مدرن هم سوست با برابر گرایی جنسیتی رابطه مثبت داشت و دینداری و گرایش سیاسی اصولگرا که با دیدگاه های سنتی سنخیت بیشتری دارند با آن رابطه منفی داشتند. در بین متغیرهای نگرشی، دینداری قوی ترین رابطه را با برابری گرایی جنسیتی داشته است (سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۵). در تحقیق دیگری که در خصوص انواع مشارکت های اجتماعی زنان انجام شد، میانگین مشارکت مدنی زنان (شرکت در سازمان های صنفی و کارگری-سازمان های غیر دولتی-گروه ها و احزاب سیاسی-تعاونی ها و همکاری با سازمان ها) بسیار پایین تر (۱/۵۴) و میانگین مشارکت مذهبی- خیریه ای (شرکت در کارهای خیریه، هیأت ها، روضه ها، سفره ها، جلسات قرآن و جشن های مذهبی و برنامه های خرید جهیزیه برای خانواده های نیازمند) بسیار بالاتر (۲/۱۳) از سایر انواع مشارکت است. غیر از مشارکت مذهبی- خیریه ای میانگین تمام انواع مشارکت در سطح کمتر از متوسط (۲/۵) قرار دارد و نشان دهنده گرایش بسیار اندک زنان جامعه مورد بررسی به مشارکت اجتماعی است. از جانب دیگر، در حالی که میزان مشارکت همه زنان به طور کلی بسیار پایین است زنان جوان تر مشارکت اجتماعی بیشتری از نوع فرهنگی - تفریحی در مقایسه با سایر گروه ها دارند. این نوع از مشارکت اجتماعی شامل فعالیت های فرهنگی- هنری، ورزشی، دوره های هم

کلاسی ها و دوستان قدیمی و انجمن های علمی است. در مقابل مسن ترها مشارکت مذهبی-خیریه ای و هم چنین مشارکت محلی را بیشتر ترجیح می دهند (شادی طلب، ۱۳۸۲). و در نهایت، نتایج پژوهشی با عنوان را بطن اولویت های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت، نشان داد که زنان و مردان در برخی نوع های ارزشی به طور معناداری با یکدیگر متفاوت هستند. مردان اغلب لذت گرا، اقتدارگرا، حادثه جو و خواهان دوستان حامی و صمیمی هستند در حالی که زنان عدالت گرا، استقلال گرا، سلامت گرا، صداقت گرا و خواهان جهان زیبا بوده و بیش از مردان مذهب گرا هستند (داریاپور، ۱۳۸۱).

۵) روش تحقیق

جهت پیش برد تحقیق حاضر از روش پیمایش^۱ و ابزار پرسشنامه برای سنجش رابطه میان مدرنیته (متغیر مستقل) و دینداری (متغیر وابسته) استفاده شده است.

در این پژوهش، برای سنجش متغیر دینداری، از مدل گلاک و استارک که دین را به صورت چند بعدی مورد بررسی قرار داده اند بهره گرفته شد. این مدل، قبلاً توسط سراج زاده بر مبنای داده های ایرانی بومی گشته و با استفاده مکرر پژوهشگران، اعتبار و پایایی آن تأیید گشته است. در مدل گلاک و استارک، دین در پنج بعد اعتقادی، تجربی، پیامدی، مناسکی و آگاهی مورد سنجش قرار گرفته است. نگرش روانشناسی اجتماعی اینکلس و اسمیت به مقوله مدرنیته که از آرای وبر متأثر است، هم گام با مدل پیشنهادی ایشان برای سنجش ویژگیهای انسان مدرن و سنجش نوگرایی^۲ افراد مورد استفاده قرار گرفت. شارما (۱۹۹۷) قبلاً مقیاس اینکلس را در هند بومی نموده بود که مقیاس وی توسط شمس (۱۹۹۸) در ایران مورد استفاده قرار گرفت. مهدیزاده (۱۳۸۱) مقیاس شارما را بر اساس ویژگی های بومی جامعه ایران تغییر داد. مقیاس سنجش مدرنیته شارما ۷ بعد دارد که عبارتند از: جهت گیری علمی، جهت گیری عام گرایانه،

1. Survey

2. Modernity

جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری پیشرفت ، جهت گیری مدنی و جهت گیری دموکراتیک.

با توجه به موضوع و مسأله تحقیق و هم چنین عنایت به تعریف سازمان ملی جوانان که افراد ۱۵ تا ۲۹ سال را جوان شناخته، جمعیت این تحقیق، دختران جوان ۲۰ تا ۲۹ ساله شهر تهران در نظر گرفته شد. انتخاب این رده سنی از این جهت بود که افراد از دوران دبیرستان خارج شده و اشرافی نسبی به مسائل اجتماعی جامعه خویش داشته باشند. با توجه به جامعه آماری این تحقیق، از شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. نمونه گیری خوشه ای^۱ نوعی از نمونه گیری اتفاقی است که عموماً برای مناطق وسیع به کارگرفته می شود. بر این اساس، شهر تهران به سه منطقه شمالی، میانه و جنوبی تقسیم شد و به صورت تصادفی سه منطقه ۱، ۶، ۱۹ انتخاب گشت. سپس در هر کدام از این مناطق به صورت تصادفی یک ناحیه مشخص گشت که در منطقه ۱ ناحیه اقدسیه، در منطقه ۶ ناحیه یوسف آباد و در منطقه ۱۹ ناحیه جانبازان مد نظر قرار گرفت. براساس مطالعه تحقیقات پیشین انجام گرفته در همین حوزه و همچنین آزمون اولیه همین تحقیق، شکاف جمعیتی ۸۰-۲۰ درصد برآورد شد (توکلی، ۱۳۸۶ و شایسته، ۱۳۸۶). پس از آن با توجه به حجم جمعیت این سه منطقه (با تفکیک جنسیتی) و برآورد دواس، در شکاف ۸۰-۲۰ درصد و با سطح معناداری ۵٪ تعداد نمونه در هر منطقه مشخص گشت (دواس، ۱۳۸۶: ۷۹). براین اساس حجم نمونه در منطقه یک ۵۵ نفر در منطقه شش ۴۹ نفر و در منطقه نوزده ۴۱ نفر مشخص شد و جمعا حجم جامعه نمونه معادل ۱۳۸ نفر تعیین شد.

در این بررسی، پس از تعریف مفهومی برای هر متغیر و گویه سازی، از طیف پنج قسمتی لیکرت برای پاسخگویی به گویه ها استفاده شده است.

^۱.Cluster-Sample

۶) تعریف مفاهیم

۶-۱) متغیر مستقل

- نوگرایی: نوگرایی به معنای نگرش نوین به زندگی و قرار گرفتن در چارچوب فکری و رفتاری انسان نو می باشد که در مقیاس اینکلس شاخص سازی شده است. جهت تعریف عملیاتی نوگرایی از مقیاس شارما که بومی شده مقیاس اینکلس در جامعه هند است بهره می گیریم. مهدیزاده و شمس قبل از این مقیاس در ایران استفاده کرده اند. این مقیاس شامل هفت بعد می شود:

- بعد جهت گیری علمی^۱: منظور از جهت گیری علمی به عنوان یکی از شاخص های سنجش نوگرایی افراد، تمایل ایشان به فهم دنیا بر پایه نقش مستندات علمی و تحقیقی به جای خرد دوران گذشته می باشد (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۷). این بعد با گویه هایی نظیر: اگر آموزش رایگان و در دسترس بود و از طرف دیگری تاثیری بر میزان درآمد نداشت تحصیلات خود را تا بالاترین مرتبه ادامه می دادم، در اوقات فراغتم ترجیح می دهم کتاب های علمی بخوانم، اگر علم و تکنولوژی نباشد انسان خیلی راحت تر زندگی می کند و مورد سنجش قرار گرفت.

- بعد جهت گیری عام گرایانه^۲: عام گرایی نگرشی است به سوی ترجیح هنجارهای غیرشخصی در اجرای نقش های عام، فراتر از وفاداری هایی ویژه به خویشاوندان، دوستان و (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۷). این بعد با گویه هایی نظیر: بعضی ها معتقدند وقتی کسی رئیس یک اداره است و یکی از بستگان نزدیکش برای کار اداری به او مراجعه می کند بهتر است سعی کند تا کار او را خارج از نوبت انجام دهد، اگر در یک بیمارستان دولتی مسئول یکی از بخش های بیمارستان بودید و یکی از اقوامتان در نوبت بستری شدن در بخش شما بود، چقدر احتمال داشت که به او کمک کنید و نوبتش را جلو بیاورید؟ اگر در دفاتر فروش بلیط هواپیمایی یا راه آهن شاغل بودید و فامیل یا هم محلی تان از شما در وضعی که تهیه بلیط مشکل بود می خواست که

^۱.scientific orientation

^۲.univeraslistic orientation

برایش بلیط تهیه کنید چه قدر ممکن بود این کمک را به او بکنید؟ و ... مورد سنجش قرار گرفت.

- جهت گیری تساوی طلبانه^۱: التزام عقلانی به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی بدون قائل شدن به هر نوع تبعیض بر پایه جنبه های منسوب به جنسیت، قومیت و ... (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۷). این بعد با گویه هایی نظیر: تمایلی ندارم با یک فرد مسیحی برای مدتی هم غذا شوم، تحصیلات دانشگاهی برای یک پسر مهمتر است تا برای یک دختر، در کل مردان نسبت به زنان رهبران سیاسی بهتری می شوند و ... مورد سنجش قرار گرفت.

- جهت گیری استقلال طلبانه^۲: نگرش به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه آن عدم هم‌نوایی با چنین هنجارهایی است که ممکن است به لحاظ عقلانی مورد شک باشند (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۸). این بعد با گویه هایی نظیر: چنانچه دولت کارآمد نباشد و تصمیم گیری های مناسب نداشته باشد افراد جامعه هیچ کاری برای بهبود زندگی خود نمی توانند بکنند، برای این که آدم آینده خوبی داشته باشد شانس، خیلی تأثیر گذارتر از تلاش شبانه روزی او است، فرزندان باید به سخنان والدین خود در هر حالتی عمل کنند و ... مورد سنجش قرار گرفت.

- جهت گیری پیشرفت^۳: نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی است و تمایل به موفق شدن و باور به مفید بودن برنامه ریزی (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۸). این بعد با گویه هایی نظیر: ترجیح می دهم وقتی قرار است کاری را به کسی بسپارم دقیقاً مشخص کنم که چه زمانی باید کار را تمام کند، اتفاقاً کارهایی که با برنامه از پیش تعیین شده انجام می شود، اغلب نتیجه نمی دهد، موفق شدن در هر کار و هر زمینه ای از زندگی برایم مهم است و ... مورد سنجش قرار گرفت.

^۱. Egalitarian orientation

^۲. Independence orientation

^۳. Achievement orientation

- جهت گیری مدنی^۱: تمایل به کسب اخبار ملی و بین المللی است و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین المللی با آن مواجه است (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۸). این بعد با گویه هایی نظیر: آگاهی انسان از موضوعاتی که اهمیت ملی و بین المللی دارند چندان اثری در انجام مسؤولیت ها و وظایف اجتماعی ندارد، چندان فرقی ندارد که انسان مطلع از آخرین اخبار و حوادث کشورش باشد یا نباشد، احساس می کنم که در وضع کنونی باید بیشتر به فکر حل مشکلات خودم باشم و به من ارتباطی ندارد که نگران عموم باشم و ... مورد سنجش قرار گرفت.

- جهت گیری دموکراتیک^۲: نگرش مثبت است به حفظ و رعایت حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه های جامعه و وجود فرصت های مساوی برای همه در مشارکت آزادانه در ارزش های آن جامعه (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۸). این بعد با گویه هایی نظیر: باید اجازه داده شود که افراد نظر خویش را در موضوعات مختلف آزادانه بیان دارند حتی اگر مخالف نظر ما باشد، روزنامه ها باید بتوانند نظرات متفاوت را در حوزه های مسائل سیاسی - اجتماعی روز بدون هیچ منعی انتشار دهند، یک فرد بهایی در صورت داشتن تخصص در کار باید بتواند به مراتب شغلی بالا دست یابد و ... مورد سنجش قرار گرفت.

۲-۶) متغیر وابسته

- دینداری: متغیر وابسته در این بررسی دینداری می باشد. با بررسی عناصر مشترک تعاریف مربوط به دین^۳، می توان دین را مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که به یک حقیقت متعالی (خدا) مرتبط است تعریف نمود. دینداری^۴ یا التزام دینی^۵ نیز مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به طور کلی تبعیت از دستورهای دین و

1. Civic orientation

2. Democrtic orientation

3. Religion

4. Religiosity

5. Religious commitment

مجری آنها بودن اشاره دارد. در واقع، اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می‌گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورهای دینی را پذیرفته باشند. بنابراین می‌توان گفت که دینداری عبارت است از التزام فرد به دین مورد پذیرش خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌پذیرد (شایسته، ۱۳۸۶: ۱۳۶). همان طور که گفته شد، دینداری در این تحقیق بر مبنای مقیاس گلاک و استارک مورد سنجش قرار خواهد گرفت که شامل پنج بعد می‌گردد:

- بعد اعتقادی^۱: منظور از این بعد، بعد ایدئولوژیکی و محتوای نظری دین است که بیشتر مبتنی بر اعتقادات است تا احساسات دینی. این بعد با گویه‌هایی نظیر: در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت، این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور امام زمان پر از عدل و داد خواهد شد، من به وجود فرشتگان اعتقاد دارم و... مورد سنجش قرار گرفت.
- بعد تجربی^۲: این بعد شامل احساسات، ادراکات و تأثراتی است که یک سوژه (فرد) در رابطه خود با خداوند احساس می‌کند. این بعد با گویه‌هایی نظیر: کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد، بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد، هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد و... مورد سنجش قرار گرفت.
- بعد پیامدی^۳: این بعد به بررسی افکار و اعمالی می‌پردازد که فرد به واسطه اعتقادات و تجربیات دینی خود، خود را ملزم به رعایت آنها می‌داند. این بعد با گویه‌هایی نظیر: زندگی در جامعه ما که ارزش‌های اسلامی در آن حاکم است بهتر از زندگی در کشورهای غربی است با همه رفاهی که دارند، فکر می‌کنید تا چه حد لازم است به غسل‌های واجب اهمیت دهیم، بعضی‌ها معتقدند که "به عنوان مسلمان باید سعی کنیم به افرادی که خلاف شرع

^۱. Ideological

^۲. Experimental

^۳. Consequential

عمل می کنند تذکر دهیم و آنها را امر به معروف و نهی از منکر کنیم". نظر شما چیست؟ و مورد سنجش قرار گرفت.

- بعد مناسکی^۱: منظور از این بعد به عنوان نشانه ای از دینداری، انجام اعمال فردی واجب دینی و هم چنین حضور فرد در برنامه ها و فعالیت های رسمی و جمعی نهاد دین است. این بعد با گویه هایی نظیر: چه قدر فکر می کنید که آدم حتما باید نماز بخواند؟ تا چه حد با مسجد محل یا هر مؤسسه اسلامی دیگر همکاری دارید؟ هر چند وقت یک بار برای ادای نماز جماعت به مسجد می روید؟ و مورد سنجش قرار گرفت.

- بعد آگاهی^۲: آشنایی با باورهای اصلی اسلام و قبول آنها با شناخت و آگاهی کامل و نه بر اساس تقلید ناآگاهانه بر هر مسلمانی واجب است. هم چنین بر آنها فرض است که روش های صحیح عبادت را بدانند و به طور اکید توصیه شده است تا با تاریخ اسلام آشنا شده، قادر به خواندن قرآن باشند. میزان آگاهی مسلمانان را از این موضوعات می توان معرف بعد آگاهی دینداری آنان در نظر گرفت (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۸). این بعد با گویه هایی نظیر: حکم رعایت حجاب در برابر شوهر خواهر چیست؟، نام اولین و آخرین سوره قرآن چیست؟، آیه الکرسی در کدام سوره قرآن است؟ و مورد سنجش قرار گرفت.

۷) فرضیات تحقیق

بر مبنای نظریات دورکیم و اینگلهارت با افزایش نوگرایی، دینداری افراد، از جمله زنان کاهش می یابد. بر این مبنا و بر اساس مدل اینکلس جهت سنجش نوگرایی، هشت فرضیه زیر طراحی گشته و مورد آزمون قرار گرفت:

۱- میان جهت گیری علمی دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

۲- میان جهت گیری عام گرایانه دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

¹. Ritualistic

². Intellectual

- ۳- میان جهت گیری تساوی طلبانه دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.
- ۴- میان جهت گیری استقلال طلبانه دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.
- ۵- میان جهت گیری پیشرفت دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.
- ۶- میان جهت گیری مدنی دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.
- ۷- میان جهت گیری دموکراتیک دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.
- ۸- میان نوگرایی دختران جوان و دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

۸) یافته های تحقیق

۸-۱) یافته های توصیفی

میانگین سنی پاسخگویان در این مطالعه ۲۴ سال و انحراف معیار آن نیز ۲/۸۶ می باشد. کمترین سن مورد بررسی ۲۰ سال و بیشترین سن ۲۹ سال است. ۳۷/۷ درصد افراد متأهل و ۶۰/۹ درصد مجرد می باشند. بیشترین درصد تحصیلات پاسخگویان مربوط به مقطع تحصیلی لیسانس (۳۸/۴ درصد) می باشد و کمترین آن تحصیلات دیپلم (۲/۹ درصد) است. درآمد بین ۵۰۰-۲۵۰ هزار تومان مقوله نمایی در میان پاسخگویان می باشد. بیشترین تعداد پاسخگویان بیکار بوده (۳۴/۸ درصد) و در میان پاسخگویان شاغل نیز مقوله نمایی به دانشجویان تعلق می گیرد (۱۸/۱ درصد).

۸-۲) یافته های تحلیلی

در بخش یافته های تحلیلی همه فرضیات تحقیق به ترتیب مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بدین منظور از از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی

شدت، جهت و معناداری روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته ای که در سطح سنجش فاصله ای هستند استفاده می‌شود.

۱- میان جهت گیری علمی دختران جوان، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱: ضرایب هم بستگی جهت گیری علمی با دینداری و ابعاد آن

جهت گیری علمی	اعتقادی	تجزی	پایامدی	مناسکی	آگاهی	دینداری
ضریب هم بستگی	۰/۱۸۴*	۰/۰۳۹	۰/۱۰۶	۰/۰۶۶	۰/۰۳۷	۰/۰۶۶
سطح معنی داری	۰/۰۳۰	۰/۶۵۱	۰/۲۱۷	۰/۴۴۳	۰/۶۶۹	۰/۴۴۴
تعداد	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸

همان طور که ملاحظه می شود با افزایش جهت گیری علمی، دینداری و ابعاد آن کاهش می یابند ولی این کاهش تنها در بعد اعتقادی معنادار می باشد. در این معنا با افزایش جهت گیری علمی، با اطمینان ۹۵٪، اعتقادات دینی دختران جوان اندکی (۰/۱۸۴) کاهش می یابد.

۲- میان جهت گیری عام گرایانه دختران جوان، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

شماره ۲: ضرایب هم بستگی جهت گیری عام گرایانه با دینداری و ابعاد آن

جهت گیری عام گرایانه	اعتقادی	تجزی	پایامدی	مناسکی	آگاهی	دینداری
ضریب هم بستگی	۰/۰۷۳	۰/۱۰۱	۰/۱۳۳	۰/۱۱۴	۰/۱۴۲	۰/۱۵۳
سطح معنی داری	۰/۳۹۲	۰/۲۳۸	۰/۱۱۹	۰/۱۸۴	۰/۰۹۷	۰/۰۷۲
تعداد	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸

همان طور که ملاحظه می شود هیچ کدام از ابعاد دینداری و هم چنین متغیر وابسته دینداری با جهت گیری عام گرایانه رابطه معنا دار نشان نداده اند. تنها بعد آگاهی و دینداری رابطه مثبت نزدیک به معناداری را نشان می دهند که به موجب آن با افزایش جهت گیری عام گرایانه در دختران جوان آگاهی دینی ایشان (۰/۱۴۲) و دینداری ایشان (۰/۱۵۳) اندکی افزایش می یابد.

۳- میان جهت گیری تساوی طلبانه دختران جوان، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: ضرایب هم بستگی جهت گیری تساوی طلبانه با دینداری و ابعاد آن

دینداری	بعد آگاهی	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد تجربی	بعد اعتقادی	جهت گیری تساوی طلبانه
-۰/۲۶۰**	-۰/۰۳۸	-۰/۳۹۷**	-۰/۳۶۳**	-۰/۰۷۱	۰/۱۸۲*	هم بستگی ضریب
۰/۰۰۲	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۹	۰/۰۳۳	معنی داری سطح
۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	تعداد

همان طور که ملاحظه می شود با افزایش جهت گیری تساوی طلبانه در دختران جوان، دینداری ایشان با اطمینان ۹۹٪ کاهش می یابد (۰/۲۶۰-). هم چنین اعتقادات دینی ایشان نیز با اطمینان ۹۵٪ کاهش می یابد (۰/۱۸۲-). گرایش های ناشی از اعتقادات دینی در ایشان (بعد پیامدی) با اطمینان ۱۰۰٪ کاهش یافته (۰/۳۶۳-) و تقید دختران جوان به انجام مناسک دینی نیز با اطمینان ۱۰۰٪ کاهش می یابد (۰/۳۹۷-).

۴- میان جهت گیری استقلال طلبانه دختران جوان، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: ضرایب هم بستگی جهت گیری استقلال طلبانه با دینداری و ابعاد آن

جهت گیری استقلال طلبانه	بعد اعتقادی	بعد تجربی	بعد پیامدی	مناسکی بعد	بعد آگاهی	دینداری
ضریب هم بستگی	-۰/۲۳۴**	-۰/۲۸۵**	-۰/۲۳۹**	-۰/۲۶۹**	۰/۰۰۵	-۰/۲۳۴**
معنی داری سطح	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵۷	۰/۰۰۶
تعداد	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸

همان طور که ملاحظه می شود با افزایش جهت گیری استقلال طلبانه در دختران جوان، میزان دینداری ایشان با اطمینان ۹۹٪ کاهش می یابد (-۰/۲۳۴). از اعتقادات دینی ایشان نیز با افزایش جهت گیری استقلال طلبانه با اطمینان ۹۹٪ کاسته می شود (-۰/۲۳۴)، هم چنین تجربیات دینی نیز در ایشان با اطمینان ۹۹٪ تنزل می کند (-۰/۲۸۵) و بعد پیامدی دینداری نیز تحت تأثیر افزایش این متغیر با اطمینان ۹۹٪ کم می شود (-۰/۲۳۹) و در آخر تقید ایشان نسبت به انجام مناسک دینی نیز با اطمینان ۹۹٪ کاهش می یابد.

۵- میان جهت گیری پیشرفت دختران جوان ، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: ضرایب هم بستگی جهت گیری پیشرفت با دینداری و ابعاد آن

دینداری	بعد آگاهی	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد تجربی	بعد اعتقادی	جهت گیری پیشرفت
۰/۰۵۹	۰/۰۳۲	-۰/۰۸۶	۰/۰۷۶	۰/۱۲۸	۰/۰۹۹	ضریب هم بستگی
۰/۴۹۴	۰/۷۰۷	۰/۳۱۸	۰/۳۷۵	۰/۱۳۶	۰/۲۴۹	سطح معنی داری
۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	تعداد

همان طور که ملاحظه می شود میان جهت گیری پیشرفت در دختران جوان و میزان دینداری و ابعاد آن در ایشان هیچ رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه پنجم تحقیق مورد تأیید قرار نمی گیرد.

۶- میان جهت گیری مدنی دختران جوان ، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶: ضرایب هم بستگی جهت گیری مدنی با دینداری و ابعاد آن

دینداری	بعد آگاهی	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد تجربی	بعد اعتقادی	جهت گیری مدنی
۰/۱۰۲	۰/۰۸۴	۰/۰۱۶	۰/۰۷۳	۰/۱۰۰	۰/۰۹۸	ضریب هم بستگی
۰/۲۲۴	۰/۳۱۲	۰/۸۵۳	۰/۳۹۲	۰/۲۴۴	۰/۲۵۱	سطح معنی داری
۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	تعداد

همان طور که ملاحظه می شود میان جهت گیری مدنی در دختران جوان و میزان دینداری و ابعاد آن در ایشان هیچ رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه ششم تحقیق مورد تایید قرار نمی گیرد.

۷- میان جهت گیری دموکراتیک دختران جوان ، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷: ضرایب هم بستگی جهت گیری دموکراتیک با دینداری و ابعاد آن

دینداری	بعد آگاهی	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد تجربی	بعد اعتقادی	جهت گیری دموکراتیک
۰/۰۰۰	۰/۲۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	ضریب هم بستگی
۰/۳۵۵**	-۰/۱۰۷	-۰/۴۵۹**	-۰/۴۰۶**	-۰/۱۷۷*	-۰/۳۰۴**	سطح معنی داری
۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	تعداد

همان طور که در جدول ملاحظه می شود با افزایش جهت گیری دموکراتیک در دختران جوان با اطمینان ۱۰۰٪ دینداری ایشان کاهش می یابد (۰/۳۵۵-). از اعتقادات دینی ایشان نیز با اطمینان ۱۰۰٪ کم می شود (۰/۳۰۴-). هم چنین تجربیات دینی دختران جوان نیز تحت تاثیر این متغیر با اطمینان ۹۵٪ کاسته می شود (۰/۱۷۷-). بعد پیامدی دینداری ایشان نیز با اطمینان ۹۹٪ کاهش می یابد (۰/۴۰۶-) و در آخر تقید ایشان نسبت به انجام مناسک دینی نیز با اطمینان ۱۰۰٪ تحت تاثیر افزایش جهت گیری دموکراتیک در ایشان کاسته می شود (۰/۴۵۹-).

۸- میان نوگرایی دختران جوان، دینداری و ابعاد آن در ایشان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۸: ضرایب هم بستگی نوگرایی با دینداری و ابعاد آن

دینداری	بعد آگاهی	بعد مناسکی	بعد پیامدی	بعد تجربی	بعد اعتقادی	نوگرایی
۰/۱۳۸	۰/۰۵۲	۰/۲۵۵**	۰/۱۸۱*	۰/۰۵۶	۰/۱۴۹	ضریب هم بستگی
۰/۱۳۶	۰/۰۴۵	۰/۰۰۳	۰/۰۳۳	۰/۰۵۱۸	۰/۰۸۲	سطح معنی داری
۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	تعداد

همان طور که ملاحظه می شود با افزایش نوگرایی در دختران جوان پیامدهای ناشی از دینداری در ایشان با اطمینان ۹۵٪ کاهش می یابد (۰/۱۸۱-)، هم چنین از تقید ایشان به انجام مناسک دینی نیز با اطمینان ۹۹٪ کاسته می شود (۰/۲۵۵-). میان افزایش نوگرایی و کاهش اعتقادات دینی نیز رابطه نزدیک به معناداری مشاهده می گردد ولیکن میان متغیر وابسته دینداری و هم چنین ابعاد تجربی و آگاهی با متغیر مستقل نوگرایی هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

۹) نتیجه گیری

براساس یافته های تحقیق میانگین نوگرایی دختران جوان برابر ۷۵/۸۲ در صد بوده است، که نمایانگر سطح بالایی از نوگرایی می باشد. بر اساس تعریف می توان این میانگین را این گونه تفسیر نمود که ۷۵/۸۲ درصد دختران جوان دارای ذهنیتی نو در ابعاد علمی، عام گرای، تساوی طلبی، استقلال طلبی، گرایش به پیشرفت، گرایشات مدنی و دموکراتیک می باشند. میانگین دینداری ایشان نیز برابر ۶۹/۲۷ درصد بوده است که از میانگین نوگرایی پایین تر بوده،

ولی در کل نمایانگر میانگین بالایی است. بر مبنای تعریف، سطح دینداری دختران جوان در خصوص اعتقادات و تجربیات مذهبی، پیامدهای فکری و رفتاری ناشی از این اعتقادات و تجربیات و هم چنین آگاهی دینی و تقید به انجام مناسک مذهبی بالا می باشد ولیکن سطح آن از سطح نوگرایی ایشان پایین تر است. براساس نظریه وبر و هم چنین نظریه اینگلههارت، میان گرایشات مدرن در جامعه و دینداری افراد رابطه وجود دارد. اینگلههارت جوامع صنعتی و پسا صنعتی را دارای امنیت حیاتی بالاتر دانسته و نظریه خود را با تکیه بر مفهوم مرکزی امنیت حیاتی پیش می برد. از نظر وی زنان و سالخوردگان به دلیل موقعیت به نسبتاً متزلزل و نامطمئن در دنیای امروز، به مراتب دیندارتر می باشند ولیکن دینداری ایشان نیز تحت شرایط جامعه مدرن که بر توانایی های فردی و برنامه ریزی در زندگی تأکید دارد و در نتیجه میزان بیشتری از پیش بینی پذیری را در زندگی رقم می زند کاهش می یابد.

در این گزارش میزان نوگرایی افراد بر مبنای مقیاس اینکلس در هفت بعد مورد سنجش قرار گرفت و سپس رابطه این هفت بعد با ابعاد پنج گانه دینداری در مقیاس گلاک و استارک بررسی گشت. از میان فرضیات هشت گانه تحقیق، فرضیات پنجم و ششم کاملاً رد شدند، بنابراین هیچ رابطه معناداری میان گرایش به پیشرفت و گرایشات مدنی دختران جوان و دینداری ایشان وجود ندارد. ولی بررسی سایر فرضیات حاکی از وجود رابطه میان دینداری و سایر ابعاد نوگرایی بوده است. بر مبنای داده ها، با افزایش عام گرایی دختران جوان میزان دینداری و هم چنین آگاهی دینی ایشان افزایش می یابد. عام گرایی بر مبنای تاکید آموزه های اسلامی بر رعایت عدالت و احترام به حق الناس در میان افراد دیندار قابل قبول و مورد اقبال است و می توان رابطه افزایش آگاهی دینی با عام گرایی را به صورت معکوس تفسیر نمود، یعنی با افزایش آگاهی دینی عملاً عام گرایی افراد افزایش می یابد. بررسی فرضیه اول تحقیق نشان داد با افزایش گرایشات علمی دختران جوان اعتقادات دینی ایشان کاهش می یابد. بررسی فرضیه سوم تحقیق نشان داد با افزایش جهت گیری تساوی طلبانه در دختران جوان، دینداری ایشان به طور عام و ابعاد اعتقادی، پیامدی و مناسکی آن به طور

خاص در ایشان کاهش می یابد. از آنجا که تساوی طلبی بیشتر با گویه های مربوط به برابری جنسی مورد سنجش قرار گرفت دختران جوانی که تساوی طلبی بیشتری داشته اند دینداری و چهار بعد فوق آن در ایشان کاهش داشته است. بررسی فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر این که میان جهت گیری استقلال طلبانه و دینداری و ابعاد آن در دختران جوان رابطه وجود دارد نشان داد که با افزایش جهت گیری استقلال طلبانه، دینداری و هم چنین ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی آن کاهش می یابد. در این خصوص از آنجا که استقلال طلبی با گویه های مربوط به استقلال از نهادهای سنتی اقتدار نظیر خانواده، تقدیر و ... مورد سنجش قرار گرفت که در عرف مذهبی سنتی جامعه مورد تأکید قرار می گیرند، کاهش دینداری با افزایش استقلال طلبی توجیه پذیر به نظر می رسد. بررسی فرضیه هفتم تحقیق در خصوص وجود رابطه میان دینداری و ابعاد آن با جهت گیری دموکراتیک در دختران جوان نشان داد که با افزایش جهت گیری دموکراتیک ایشان دینداری و ابعاد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی آن در ایشان کاهش می یابد. این مسأله می تواند از جهتی ناشی از دینی بودن حکومت باشد که نقش منتقد دینداران را کاهش داده و گرایش به حفظ وضع موجود را در ایشان تقویت می نماید، به عبارت دیگر چنانچه رابطه دینداری و دموکراسی با گویه های آزادی بیان و آزادی مطبوعات و ... در جامعه ای دیگر و یا در دوران پیش از انقلاب مورد سنجش قرار می گرفت احتمال کسب نتایج متفاوت دور از ذهن نبود. بررسی فرضیه هشتم تحقیق مبنی بر وجود رابطه میان دینداری و نوگرایی نیز نشان داد که با افزایش نوگرایی ابعاد پیامدی و مناسکی دینداری کاهش پیدا می کند. این نکته که تنها میان جهت گیری عام گرایانه و آگاهی دینی رابطه مثبت نزدیک به معنا داری مشاهده شده، می تواند نشانگر اهمیت آگاهی دینی باشد؛ چرا که داشتن آگاهی دینی و تأکید بر آن منجر به گرایش های عقلانی و منطقی گشته، ارتباط درهم تنیده ای را با ابعاد نوگرایی رقم می زند. به نظر می رسد از مهم ترین نتایج این تحقیق لزوم توجه نهادهای دینی به افزایش آگاهی دینی افراد و تأکید بر جنبه های رفتاری اسلام نظیر توجه به حقوق دیگران، تشویق علم آموزی و

اهمیت قائل شدن برای زمان، بهره‌گیری از استعدادهای فردی بعنوان نعمت‌های الهی و ... می باشد که لاجرم جامعه ای دیندارتر و نوگراتر را به دنبال خواهد داشت .

Archive of SID

منابع:

- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۷). مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان، مریم وتر، تهران: کویر
- برنارد، جسی (۱۳۸۴). دنیای زنان، شهرزاد ذوفن، تهران: اختران
- توکلی خمینی، عاصفه (۱۳۸۶). پنداری و فردگرایی، استاد راهنما اعظم آزاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه الزهرا
- داریاپور، زهرا (۱۳۸۱). بررسی رابطه اولویت های ارزشی شهروندان تهرانی با جنسیت. نامه پژوهش های فرهنگی. سال ۷ ش ۳.
- دی.ای، دواس (۱۳۸۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، هوشنگ نایی، تهران: نشر نی
- رودگر، نرگس (۱۳۸۸). فمینیسم، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲). نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی، پژوهش زنان، دوره ۱، سال سوم، شماره ۷، صص ۱۹۸-۱۷۷
- ریترز، جرج (۱۳۸۰). جامعه شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- ساروخانی، باقر و رفعت جاه، مریم (۱۳۸۳). عوامل جامعه شناختی موثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱
- سراج زاده، سید حسین و جواهری، فاطمه (۱۳۸۵). برابر گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه ای و نگرشی مرتبط با آن، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۷، ش ۷، صص ۴۰-۳
- ۱۱- سراج زاده سید حسین (۱۳۸۳). چالش های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه شناختی در دین داری و سکولار شدن، تهران: طرح نو
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰). جامعه شناسی تاریخی خانواده، حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، دوره ۱، سال سوم، شماره ۷، صص ۱۷۶-۱۴۱
- شایسته مجد، عالیه (۱۳۸۶). بررسی تاثیر دینداری بر پنج تیپ شخصیت در سه دین اسلام، مسیحیت و زرتشت، استاد راهنما محمد صادق مهدوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی
- شریعتی، سارا و دروش، هانری (۱۳۸۶). جامعه شناسی در مواجهه با دین، سارا شریعتی، تهران: نشر کوچک

- شمس نجف آبادی، فاطمه (۱۳۷۶). مدرنیته، حوزه و دانشگاه، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه هند(چاپ نشده)
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۴). جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران دوره اول پهلوی، تهران: قصیده سرا
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده، معصومه محمدی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
- لیدمان، اریک (۱۳۸۷). در سایه آینده: تاریخ اندیشه مدرنیته، سعید مقدم، تهران: نشر اختران
- موحد، مجید و نیازی، صغری (۱۳۸۷). رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی های فرهنگی آنان، پژوهش زنان، دوره شش، شماره یک، صص ۵۴-۲۹.
- موریس، برایان (۱۳۸۳) مطالعات مردم شناختی دین، ترجمه سید حسین شرف الدینو محمد فولادی، قم: زلال کوثر.
- مهدیزاده، شراره (۱۳۸۱). تلویزیون و نوگرایی، استاد راهنما محمد باقر ساروخانی، پایان نامه دکتر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- وبر، ماکس (۱۳۸۵). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ویلم، ژان پل (۱۳۷۷). جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان
- هودشتیان، عطا (۱۳۸۱). مدرنیته، جهانی شدن و ایران: نوشتارهایی پیرامون جهانی شدن، مدرنیته، بحران تحول و نظریه عدم بازگشت تاریخی در ایران، تهران: انتشارات چاپخش
- Inkeles, Alex and H. Smith, David (1974) *Becoming Modern: Individual change in six developing countries*, Heinemann Educational book.
- Stacf, W.T (1953) *Religion and the modern mind*, Londen: MacMillan.